عکس اسماعیل که همه چیز را اعتراف کرد؛

دسیسه هولناک برای زن مهربان همسایه

گروه حوادث – ۳ عضو یک خانواده در حالی برای پرداخت بدهی ۷۰ میلیون تومانی، دسیسه وحشتناک سرقت طلاهای پیرزن صاحبخانه را به اجرا گذاشتند که زن جوان در بازداشتگاه پلیس بود، اما ندامت پسر ۱۷ ساله به آخرین نفس های پیرزن گره خورد و زنگ تلفن اورژانس به صدا درآمد.

صبح چهاردهم اسفند، امدادگران اورژانس پیکر نیمه جان پیرزن ۸۰ ساله ای را از خیابان وحید به بیمارستان شهید هاشمی نژاد رساندند که با مرگ دست و پنجه نرم می کرد و آخرین نفس هایش را می کشید.

دقایقی بعد با انجام اقدامات درمانی حال پیرزن رو به بهبودی گذاشت و از مرگ نجات یافت. فرزندان پیرزن که چندین ساعت بعد موفق به دیدار مادر پیرشان شده بودند، ناگهان صحنه عجیبی را دیدند و متعجب به یکدیگر نگریستند. النگوهای پیرزن در دستانش نبود! به همین دلیل فرزندان پیرزن حیرت زده، در جست وجوی النگوها برآمدند چرا که پیرزن هیچ گاه النگوها را از دستش خارج نمی کرد.

فرزندان پیرزن پس از پرس و جو از کادر درمان متوجه شدند که آن ها برای اقدامات درمانی النگوهای طلا را از دست وی خارج نکرده اند، بنابراین موضوع پیچیده تر شد و پسر پیرزن با پلیس تماس گرفت.

طولی نکشید که به دستور سرهنگ علی برزنونی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) گروهی از افسران تجسس مامور رسیدگی به این ماجرا شدند و تحقیقات خود را در حالی آغاز کردند که هنوز پیرزن قادر به سخن گفتن نبود.

ماموران انتظامی در اولین مرحله از اقدامات پلیسی به بازبینی دوربین مدار بسته بیمارستان پرداختند و دریافتند که هنگام انتقال پیرزن به مرکز درمانی، هیچ النگویی در دست وی نبوده است. به همین دلیل فرضیه مسمومیت عمومی برای سرقت طلا مورد واکاوی و بررسی عوامل تجسس کلانتری قرار گرفت.

ماموران انتظامی با توجه به گزارش امدادگران اورژانس و اظهارات پسر پیرزن، به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد پیرزن ۸۰ ساله در یک ساختمان ویلایی دو طبقه زندگی می کرد و طبقه بالای ساختمان را به خانواده ای واگذار کرده بود که در قبال سکونت رایگان، از وی مراقبت کنند. این گونه بود که سرنخ بررسی های نامحسوس به پسر نوجوان ۱۷ ساله رسید که با امدادگران اورژانس تماس گرفته بود.

دقایقی بعد «اسماعیل» با طرح سوالات انحرافی در حالی مورد بازجویی قرار گرفت که پدر و مادر او در منزل مسکونی حضور نداشتند ولی این نوجوان در پاسخ به سوالات فنی پلیس دچار تناقض گویی شد و جملاتی را درباره چگونگی اطلاع از وضعیت وخیم پیرزن مطرح کرد که ظن عوامل تجسس به وی برای ربودن طلاها قوت گرفت. بر این اساس، پسر نوجوان به صورت تلفنی به کلانتری احضار شد تا حقیقت ماجرا را به طور کتبی ثبت کند.

اسماعیل ابتدا به افسر پرونده گفت: حدود ساعت یک بامداد بود که پیرزن مرا برای خرید آب میوه به فروشگاه (سوپرمارکت) فرستاد و من هم برایش آب میوه پاکتی خریدم و سپس در ساعت ۳ بامداد از من خواست مقداری نوشابه از یخچال منزلش به او بدهم ولی صبح هنگام متوجه شدم که حال پیرزن خوب نیست و به همین دلیل با اورژانس تماس گرفتم...

وی که در پرسش های بعدی و در پاسخ به ساعات خرید آب میوه و دادن نوشابه به تناقض گویی افتاده بود درباره این که چرا او تا صبح بیدار مانده و خواسته های پیرزن را اجابت کرده است؟ گفت: حال مادرم خوب نبود و در خانه استراحت می کرد به همین دلیل من کارهای پیرزن را انجام می دادم!

«اسماعیل» در ادامه و در پاسخ به این سوال که اکنون مادرت کجاست؟ نیز گفت: مادرم به منزل خاله ام رفته است! اما از دادن شماره تلفن مادرش به پلیس دچار ترسی پنهان شد که این رفتار وی از چشم نیروهای تجسس کلانتری دور نماند و آن ها هنگامی با زن ۳۶ ساله تماس گرفتند که او مدعی شد از سرقت طلاهای پیرزن اطلاعی ندارد! این درحالی بود که هنوز افسر پرونده ماجرای سرقت النگوها را مطرح نکرده بود!

با این شگرد پلیسی نقش زن جوان (پرستار پیرزن) در این حادثه لو رفت و او با کسب دستور قضایی از قاضی اسماعیل عندلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) به مقر انتظامی احضار شد. با آن که قرار بود تا نیم ساعت دیگر زن ۳۶ ساله خود را به کلانتری معرفی کند، اما او در نهایت ۴ ساعت بعد به کلانتری رسید و تلاش کرد تا با داستان سرایی های گوناگون خود را بی خبر از ماجرای سرقت النگوها نشان دهد.

او در پاسخ به سوال افسر تجسس که پرسید شب وقوع حادثه مسمومیت پیرزن کجا بود؟ گفت: شب را در بازداشتگاه کلانتری بودم چرا که شاکی حکم جلب سیار داشت و من مبلغ ۷۰ میلیون تومان به او بدهکار بودم! با این اظهارات ماموران انتظامی بلافاصله نام وی را در میان بازداشتی ها جست وجو کردند و متوجه شدند که او حقیقت را بیان می کند و شبی که حادثه مذکور رخ داده او در بازداشتگاه بوده است.

اگرچه این اظهارات، پرونده سرقت النگوها را پیچیده تر کرد، اما تحقیق افسران تجسس درباره چگونگی آزادی وی از بازداشتگاه، قطعه گم شده این پازل را نمایان کرد چرا که زن ۳۶ ساله (متهم) بعد از ظهر همان روز با پرداخت بدهی ۷۰ میلیونی به شاکی آزاد شده بود.

وی درخصوص چگونگی تهیه این مبلغ طی چند ساعت به پلیس گفت: من نمی دانم شوهرم این مبلغ را تهیه و به شاکی پرداخت کرد و چک مرا پس گرفت. من هم با دستور قضایی آزاد شدم.

حالا دیگر سرنخ ها به مرد ۴۰ ساله ای به نام روح ا... رسید که زن مذکور را به عقد خودش درآورده بود. ادامه بررسی های پلیس مشخص کرد: زن جوان بعد از جدایی از همسر سابق خود و در حالی که با پسر نوجوانش (اسماعیل) زندگی می کرد به عقد روح ا... درآمد و آن ها از حدود ۲ سال قبل به منزل پیرزن ۸۰ ساله نقل مکان کردند تا بدون پرداخت اجاره و در قبال مراقبت و پرستاری از صاحبخانه، در آن جا زندگی کنند اما اکنون هیچ خبری از مرد ۴۰ ساله نبود و او از منزل محل سکونتش در طبقه دوم ساختمان محل زندگی پیرزن متواری شده بود. در همین حال پسر ۱۷ ساله که دیگر نمی توانست حقایق پشت پرده این ماجرا را پنهان کند به ستوان توزنده جانی (افسر پرونده) گفت: پدر خوانده ام و مادرم نقشه سرقت النگوهای پیرزن صاحبخانه را کشیده بودند ولی من خبر نداشتم به همین دلیل هم مادرم با پای خودش و به همراه شاکی (طلبکار) به کلانتری رفت تا هنگام سرقت در بازداشتگاه باشد!

از سوی دیگر حدود ساعت یک بامداد پدر خوانده ام مرا به فروشگاه فرستاد تا آب میوه بخرم من هم پاکت آب میوه را آوردم و به پدر خوانده ام دادم او هم چند قرص خواب آور را که از قبل آماده کرده بود به شکل پودر درآورد و درون آب میوه ریخت.

بعد از ۲ ساعت آب میوه آلوده را به پیرزن (صاحبخانه) دادیم و او بیهوش شد. سپس ساعت ۵ بامداد پدر خوانده ام النگوهای پیرزن را قیچی کرد و به من هم قول داد تا برایم یک دستگاه موتورسیکلت بخرد! بعد از این ماجرا او از خانه بیرون رفت تا طلاها را بفروشد و من هم تنها ماندم ولی حدود ساعت ۷ صبح بود که برای اطلاع از حال پیرزن به طبقه پایین آمدم و متوجه حال وخیم او شدم.

احساس می کردم آخرین نفس هایش را می کشد و در حال جان دادن است. این گونه بود که در یک لحظه پشیمان شدم و خودم با اورژانس تماس گرفتم تا او را نجات بدهم. دقایقی بعد هم امدادگران اورژانس از راه رسیدند و پیرزن را به بیمارستان بردند...

بعد از ظهر همان روز هم مادرم در حالی از بازداشتگاه پلیس آزاد شد که پدرم با فروش طلاها مبلغ بدهکاری او را پرداخته بود، اما مادرم به خانه خاله ام رفت تا خودش را بی خبر از این ماجرا نشان دهد ولی از پدرخوانده ام اطلاعی ندارم. بنا بر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با صدور دستورهای ویژه قضایی، گروه تخصصی افسران دایره تجسس با هدایت و نظارت رئیس کلانتری میرزا کوچک خان، تحقیقات گسترده ای را برای دستگیری مرد ۴۰ ساله فراری آغاز کرده اند.

تله شیطانی برای دختر جوان در شرکت

گروه حوادث – صاحب شرکت طراحی سایت که دختر جوان را با ترفند استخدام در شرکتش به تله شیطانی انداخته و آزار داده بود با حکم قضایی به شلاق و تبعید محکوم شد.

رسیدگی به این پرونده با شکایت دختر ۳۰ ساله ای به نام ارمغان آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی رفته بود از صاحب یک شرکت طراحی سایت به نام پیمان شکایت کرد.

دختر جوان در تشریح شکایتش گفت: من به تازگی درسم تمام شده و طراح سایت هستم. مدتی بود به دنبال شغلی مناسب می گشتم که با آگهی استخدام طراح سایت در فضای مجازی رو به رو شدم و برای استخدام در شرکت رزومه ارسال کردم.

وی ادامه داد: چند روز از این ماجرا گذشته بود که مرد جوانی به نام پیمان که صاحب شرکت بود با من تماس گرفت و با من قرار ملاقات گذاشت. وی گفت به خاطر شیوع بیماری کرونا بهتر است به تنهایی به شرکت بروم. به همین خاطر من به تنهایی به شرکت رفتم اما آنجا مرد جوان که اسیر وسوسه شیطان شده بود مرا آزار داد و تهدیدم کرد در این باره با کسی حرفی نزنم. من با سر و وضعی آشفته به خانه برگشتم و از ترس به کسی حرفی نزدم. اما دو ماه حال روحی ام به هم ریخته بود. به همین خاطر با گذشت دو ماه از این ماجرا تصمیم گرفتم از صاحب شرکت شکایت کنم. با شکایت دختر جوان، صاحب شرکت ردیابی شد و ماموران دریافتند وی به اتهام کلاهبرداری از چندین نفر در زندان به سر می برد

محاکمه مرد شیطان صفت

به این ترتیب پیمان از زندان به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل شد و از خود دفاع کرد. در ابتدای جلسه دختر جوان به تشریح شکایت پرداخت و برای مدیر شرکت اشد مجازات خواست.

وی در حالی که اشک می ریخت گفت: این مرد بدون توجه به التماس هایم مرا آزار داد و زندگی ام را سیاه کرد. من از او گذشت نمی کنم. او با نقشه از پیش طراحی شده مرا به شرکت کشاند و آزارم داد. این ماجرا تاثیر بدی در روحیه ام گذاشته و به افسردگی مبتلا شده ام و حالا تحت درمان یک روانپزشک قرار دارم.

سپس متهم ۲۳ ساله در جایگاه ویژه ایستاد و اتهامش را قبول نکرد.

وی گفت: ارمغان با میل خودش به شرکت من آمد و با من رابطه برقرار کرد. من به زور وعنف به او تجاوز نکردم. او حالا چون فهمیده من مدیر شرکت هستم و وضع مالی خوبی دارم تصمیم به اخاذی گرفته و چنین شکایتی را از من مطرح کرده تا از من پول بگیرد. وی ادامه داد: من نخبه و کارآفرین هستم و اتهاماتم را قبول ندارم. شاکی دروغ می گوید.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده و گزارش کارشناسان پزشکی قانونی، وی را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه و وی را به خاطر رابطه نامشروع به ۹۹ ضربه شلاق و تبعید به منطقه ای بد آب و هوا محکوم کردند.

این عاشق پیشه هنگام خواستگاری از دختر، پدر او را کشت!

گروه حوادث – پسر چوپان که هنگام درگیری با پدر دختر مورد علاقه اش وی را با ضربه چاقو به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود، پس از جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه و حکم آزادی وی صادر شد.

رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۹۳ با گزارش یک درگیری در منطقه شهریار آغاز شد. بلافاصله مأموران به محل اعزام شدند و مشخص شد که درگیری میان پسر ۱۹ ساله ای به نام حبیب با مرد میانسالی رخ داده است که در این میان حبیب با ضربه چاقو وی را مجروح و روانه بیمارستان کرده بود اما پس از ۳ هفته به علت شدت جراحت وارده مرد میانسال جان باخت و حبیب به اتهام قتل عمد بازداشت شد.

متهم پس از انتقال به اداره آگاهی به درگیری خونین اعتراف کرد و در توضیح ماجرا به مأموران گفت: من چوپان هستم و بیش از یکسال است که به دختری علاقه مند شده ام. روز حادثه به در خانه آنها رفتم تا او را از پدرش خواستگاری کنم. اما پدرش به محض شنیدن حرف های من عصبانی شد و با هم به اختلاف خوردیم بعد او با یک چوب به من حمله کرد و من هم در دفاع از خودم با چاقویی که همیشه همراهم بود به او ضربه ای زدم. فکر نمی کردم ضربه من کشنده باشد و قاتل شوم من فقط می خواستم از خودم دفاع کنم.

در ادامه پزشکی قانونی هم در گزارشی عنوان کرد که مقتول در اثر پارگی کبد جان باخته است.

پس از اظهارات متهم و تکمیل تحقیقات پرونده وی برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در آن جلسه اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند.

متهم نیز با تکرار اظهاراتش گفت: من پشیمانم اما کاری از دستم برنمی آید. من قصدم کشتن مقتول نبود و از خانواده اش شرمنده ام و درخواست می کنم من را ببخشند.

با پایان جلسه دادگاه قضات متهم را به قصاص محکوم کردند و حکم صادره در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و چوپان جوان در چند قدمی چوبه دار قرار گرفت اما وی توانست در مدت زمان باقیمانده تا اجرای حکم قصاص رضایت خانواده مقتول را جلب کند و آنها برای رضای خدا به وی رضایت دادند. بنابراین پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در این جلسه متهم به جایگاه رفت و گفت: بارها گفته ام که پشیمانم. ۸ سال از بهترین روزهای عمرم در زندان و با کابوس مرگ نابود شد. در این ۸ سال مادر و برادرم را از دست دادم و خبردار شدم که خواهرم هم به سرطان مبتلا شده است. آقای قاضی من ۲۸ سال دارم اما در طول عمرم از بس بدبختی کشیدم وقت نکردم زندگی کنم.

در ادامه قاضی از متهم پرسید: برای گرفتن رضایت چقدر پرداخت کردی؟

متهم جواب داد: خانواده مقتول بدون دریافت هیچ پولی به من رضایت دادند.

پس از آن وکیل متهم به جایگاه رفت و گفت: جناب قاضی موکل من نزدیک به ۸ سال از عمرش را در زندان گذرانده شما بهتر از من می دانید که چوپان ها به خاطر شرایط کارشان ناچار هستند که همیشه چاقویی با خود حمل کنند و آن روز هم موکل من چاقو را به قصد قتل با خود حمل نمی کرد بلکه به خاطر شغلش با خود چاقو داشته و بعد هم که کار به درگیری رسیده در دفاع از خودش دست به چاقو شده است. از این رو تقاضا دارم در صورت امکان برای وی در صدور رأی از جنبه عمومی جرم تخفیف قائل شوید.

در پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و حکم آزادی متهم را به شرط آنکه وی در زندان مرتکب تخلفی نشده باشد صادر کردند. بنابراین پس از استعلام از زندان وی بزودی آزاد خواهد شد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

سم پاشی

شرکت کیمیا سم کیش
مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۵۲۳۹/۰۱
به نام منظر تاج قدرتی فرد مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۲۲۳۲۵/۰۱
به نام جاوید نوذری مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پیش فروش واحد مسکونی

پیش فروش برج های مسکونی ساحلی
با امکانات هتل ۵ ستاره متراژ و طبقات مختلف
بهروز مرادی ۰۹۳۴۷۶۹۵۲۱۴
۰۹۳۷۷۶۹۵۳۹۴

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

استخدام

به یک نصاب و سرویسکار حرفه ای
آسانسور جهت کار در یک شرکت
نیازمندیم ۰۹۳۴۷۶۸۳۲۳۶

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری
مسکونی –خدماتی –تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

دوربین های مدار بسته
درب های اتوماتیک
دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

مبل شویی

مبل شویی سیار
شستشوی مبل صندلی تشک
موکت فرش
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت
در اسرع وقت
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با
تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک
تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع،
روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش
۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸
با مدیریت عسکری

کیش نوش
تولید و توزیع آب معدنی در جزیره
۴۴۴۷۳۴۲۲ - ۴۴۴۷۳۴۲۱

شرکت کیمیا سم کیش
مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان
۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳